

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۱۴ مارچ ۲۰۱۱

مارکس متعلق به همه زمانه هاست



دنیا را بدون اندیشه مارکس نمی‌توان شناخت و تغییر داد. جایگاه و افکار مارکس در دنیای کنونی ثبت شده است و مجالی برای بازسازی و پس زدن ایده‌های دگرگون‌ساز وی نیست. مارکس پرچم جهان‌بینی نوینی را به اهتزاز در آورده و در عمل نشان داده است که دنیائی فراتر و مقبول‌تر از دنیای زورمداران است؛ نشان داده است که در یکسوی آن حاکمان و سرمایه‌داران به صف شده‌اند و در سوی دیگر آن، کمونیست‌ها و میلیون‌ها کارگر و زحمتکش قرار گرفته‌اند.

در حقیقت تاریخ انسانیت و بشریت را نمی‌توان ورق زد و در آن رد پا و افکار مارکس را نیافت. اگر سرمایه در توشه و اندوخته خود، استثمار و به بدبختی کشاندن ملایدها انسان محروم را دارد، در عوض مارکس حامل افکار بهروزی و رهائی کارگران و زحمتکشان از مظالم سرمایه در سرتاسر دنیاست. زندگانی مارکس سرشار از تحرک و بازسازی افکار تحول‌گراست و تحت هیچ شرایطی به تفسیر نظام‌های استثمارگر و ظالم قناعت نمی‌کرد و با تمام وجود در جهت تغییر آن بر می‌آمد. همواره نقدش در خدمت به مبارزه طبقاتی و یگانگی هر چه بیشتر وفاداران انقلاب کارگری بود. کمونیستی که دنیا هرگز به خود ندیده است.

چهاردهم مارچ، صد و بیست و هشتمین سالروز در گذشت این انسان بی‌نظیر است. انسانی که منش و نگاهش به جهان سرمایه‌داری، نگاه سازش‌ناپذیری و نابود کننده بود؛ نگاهی که تحریف و تخریب شدنی نیست و فراتر از آن نمی‌توان دنیا را بدون عملی نمودن ایده‌های وی تکان داد و پرچم جامعه کمونیستی را بر افراشت. به جرأت می‌توان گفت که مارکس هیچ عرصه‌ای را بی‌پاسخ نگذاشته است و جنبش کمونیستی جهان، سرشار از منابع و داده‌های

گرانبهای وی می‌باشد. به عبارتی دقیق‌تر انجام وظایف و پیشبرد انقلاب میلیون‌ها انسان محروم، بدون پایبندی عملی به ایده‌های وی ناممکن می‌باشد.

مارکس مخالف سرسخت هرگونه مماشات و چانه‌زنی با دم و دستگاه‌های وابسته به نظام‌های جهل و سرمایه‌داری بود و انقلاب و زیر و رو کردن نهادها و ارگان‌های حافظ بقای سلطه حاکمان را به‌عنوان یگانه راه رهایی بشریت می‌پنداشت. بی دلیل هم نیست که سرمایه‌داران و استثمارگران با واژه انقلاب سرسازگاری ندارند و به انحای گوناگون می‌کوشند تا مانع رشد و نضج افکار مارکسیستی در سرتاسر دنیا گردند؛ چرا که می‌دانند آن ایدئولوژی بساط به ناحق‌شان را بر خواهد چید که مارکس پایه‌گذار آن بود. به انقلابات به وقوع پیوسته جهان بعد از مارکس نظری بیفکنیم تا کمی بیش از این به تأثیرات شگرف نقش و نظراتش پی ببریم. آن انقلابات به اثبات رساندند که بدون باوری عمیق به اندیشه‌های بنیادی وی کارگران و زحمت‌کشان قادر به پس زدن حاکمان و سرمایه‌داران نبودند.

به راستی که با هیچ نوشتار و گفتاری نمی‌توان جایگاه این کمونیست بی‌نظیر را توضیح داد. نوشته‌های وی همچنان و بعد از گذشت دهه‌ها، رامگشای مبارزات کارگران و زحمت‌کشان است. آثار ارزشمند "مانیفست کمونیست" و "سرمایه"ی این اندیشمند، نه تنها کهنه نشده و از قلم نیفتاده است بلکه همچنان راهنمای عمل میلیون‌ها کمونیست و پیروان انقلاب کارگری در سرتاسر جهان می‌باشد. مارکس در این دو اثر راه چگونگی برون رفت طبقه کارگر از نظام استثمارگریانه و همچنین طفیلی‌گری سرمایه را بر شمرد و اعلان نمود که دنیا از آن کارگران است و سرمایه‌داران به دلیل اشتباهی بی پایان و سیاست‌های منفعت‌جویانه‌شان با بحران عظیمی مواجه خواهند گردید و مرگشان قطعی‌ست.

این روزها نمود و نتایج افکار مارکس را در دنیا می‌توان به چشم دید. میلیون‌ها انسان محروم در سرتاسر جهان در اثر سیاست‌های ظالمانه حاکمان مفت‌خوار به صف شده‌اند و چرخش سرمایه را مختل نموده‌اند. همه‌جا را اعتراضات کارگری – توده‌ئی فرا گرفته است و همه‌جا سرمایه‌داران به منظور علاج بحران دائم‌التزایدشان از یک‌طرف به جان هم می‌افتند و از طرف‌دیگر زندگی را بر کارگران و زحمت‌کشان تنگ و تنگتر می‌نمایند. لشکرکشی به دیگر جوامع به منظور خلاصی از بحران گریبان‌گیر، نشان‌دهنده تحلیل داهیانه مارکس از طبقه سودجوی سرمایه‌داری‌ست.

پر واضح است که اشراف مارکس در یک حوزه خلاصه نمی‌گردد و تک‌بعدی نیست و پیرامون مسائل اجتماعی – انسانی، علوم و فلسفه از خود، آثار گرانبهائی بر جای گذاشته است. توضیح جامع زیربنا و روبنا، ماتریالیسم تاریخی، ماتریالیسم دیالکتیک و از جمله سرمایه‌های ارزش‌مندی‌ست که از مارکس، برای نسل‌های بعدی، به جا مانده است. در پرتو چنین حقایق و نقش‌آفرینی‌های نظری، سیاسی، اجتماعی و فلسفی‌ست که تأکید می‌گردد، مارکس به همه زمانه‌ها تعلق دارد و افکار وی همچنان مشعل راهنمای انقلابات کارگری – توده‌ئی سرتاسر دنیاست. به اساس آموزه‌های مارکس است که می‌توان تأکید ورزید، هیچ انقلابی بدون در هم شکستن مناسبات سرمایه‌داری به سر انجام نخواهد رسید و طبقه کارگر و محرومان از شر حاکمان زورگو و مظالم امپریالیستی رهایی نخواهند یافت؛ به اساس آموزه‌های مارکس است که می‌توان و باید بانگ بر آورد که سرمایه از خیزش‌های وسیع و گسترده طبقه کارگر و انقلاب کمونیستی وحشت دارد؛ چرا که بنابه گفته‌ی وی: "پرولترها در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمی‌دهند، ولی جهانی را به دست می‌آورند".